

مضراب

نگاهی به اجرای ارکستر سمفونیک تهران برای کودکان

فلوت مثل پرنده، کنترباس مثل فیل



«**سمیه قاضی‌زاده**»

● دست کوچکش را می‌گذارد زیر چانه‌اش و با دست دیگرش ادای آرشه‌کشیدن را درمی‌آورد. آرشه‌اش را می‌کشد و صدای رفت‌وآمد «پیترو»، پسر قصه، را می‌شنود. شهرداد روحانی سا‌زها را با شخصیت‌شان در ارکستر معرفی می‌کند. همه سالن پر از بچه‌هاست و اجرای ارکستر سمفونیک تهران هیچ شباهتی به اجراهای دیگر آن ندارد. سالد پر است از هیجان بچه‌های قدونیم‌قد که روی پنجه پاهایشان قبدلندی می‌کنند تا بتوانند بیشتر و بهتر سا‌زها را ببینند، اما رهبر ارکستر کارشان را کمی راحت کرده: «خب بچه‌ها ببینید، این فلوت است، قرار است در ارکستر صدای پرنده را با آن بشنوید. ببیند چقدر شبیه صدای



پرنده است.» نوازنده فلوت هم می‌ایستد و چند می‌زان را می‌زند تا بچه‌ها با آنچه که رهبر ارکستر گفته بیشتر آشنا شوند. اجرای قطعه «کارناوال حیوانات» است و نوبت می‌رسد به قطعه فیل. روحانی سرتش را از می‌چرخاند به سمت کنترباس‌های بزرگ و می‌گوید: «فیل خودش بزرگ است و برای همین در ارکستر هم بزرگ‌ترین ساز که صدایش به فیل هم می‌خورد انتخاب شده است. لطفا کنترباس‌ها بنوازند تا بچه‌ها ببینند. بچه‌ها با هیجان به کشیده‌شدن آرشه روی بدن بزرگ کنترباس‌ها نگاه می‌کنند و آن صدای زمخت، که شبیه راه‌رفتن سنگین و سترگ فیل‌هاست. «کارناوال حیوانات» با معرفی پیترو (ویلن)، گرگ (هورن)، گربه (کلارینت)، اردک (ایسا) و پرنده (فلوت) اجرا می‌شود تا نوبت به معرفی پدربزرگ پیترو و ساز کلارینت‌باس می‌رسد که سالن یکپارچه خنده و شادی می‌شود. دلپیش چیست؟ صدای بامزه کلارینت که شخصیت پیر و در حال نصیحت پدربزرگ‌ها را به یاد می‌آورد. با این چیدمان و شور، بخش اول کنسرت تمام می‌شود.بچه‌ها که حداقل نیمی از جمعیت تالار وحدت و بالکن‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، در مواجهه با اطلاعات جدید به وجد آمده‌اند، وسط سالن انتظار در فاصله دو اجرا می‌شود کودکانی را دید که در حال رهبری ارکسترند یا ادای کنترباس‌ها و صدای فیل را توانمان درمی‌آورند.تفاوت این اجرا با دیگر اجراهای ویژه کودکان در این بود که در اکثر اجراها، ارکستری متشکل از نوازندگان و خوانندگان خردسال یا بزرگسال، به اجرای باکلام قطعات کودکانی می‌پردازند، درحالی‌که معرفی سازها و شخصیت‌های آنها در اثر، آن هم تک‌تک و بعد از اجرای هر قطعه ویژگی بارز این کنسرت بود. ضمن اینکه تمامی این قطعات سازی بودند و بر پایه کلام استوار نبودند. علاوه‌براین، اجرای این قطعات از سوی ارکستر سمفونیک تهران به‌عنوان بهترین تالار از دیگر نکات مثبت آن بود. بخش دوم کنسرت اما داستان پیترو، پسرک اصلی داستان، با کمک راوی ادامه پیدا می‌کرد. بچه‌ها که دیگر با صدای سا‌زها و شخصیت‌ها آشنا شده بودند، به‌راحتی می‌توانستند ردپای شخصیت‌ها را با شنیدن صدای سا‌زهای مشخص پیدا کنند؛ مثلا وقتی راوی می‌گفت: «پرنده نزدیک پترو شد و گرگ از آن طرف آنها را دید» و بعد صدای ارکستر ترکیبی بود از صدای فلوت، ویلن و هورن می‌آمد. کودک به‌خوبی می‌توانست ردپای شخصیت‌ها را در آوای اثر پیدا کند.برشور خوب و کامل این کنسرت که با تصاویر کارتتی همراه بود، از دیگر نقاط قوت این کنسرت بود که خوشبختانه با استقبال بسیار خوب مخاطبان و خانواده‌ها در شنش سانس برگزار شد و بار دیگر برای اول شهرومرامه هم تمدید شده است.شهرداد روحانی که در ماه‌های گذشته، فعالیت‌های مؤثری در ارکستر سمفونیک تهران انجام داده که از جمله آنها می‌توان به اجرای ارکستر در ایتالیا به رهبری ریکاردو موتی اشاره کرد، این‌بار هم اتفاقی خوش را در موسیقی ایران و موسیقی ارکسترال و وزین برای کودکان این سرزمین رقم زد و کمی از بار جانگاہ نمایش‌ندان ساز از رسانه اصلی کشور کاست. بی‌شک انگیزه او کسی نیست جز کودکانی که مشتاقانه آماده یادگیری‌اند و موسیقی در جانشان می‌جو‌شد.

عسل عباسیان: باران کوثری این شب‌ها در تئاتر «گفت‌وگویی برجای‌ماندگان» نوشته محمد زارعی و کارگردانی میلاد شجره در سالن شماره دو پردیس تازه‌تأسیس تئاتر شه‌رزاد روی صحنه می‌رود؛ نمایشی که تلاش بر ترسیم موقعیتی پایان جهانی دارد و سبک و سیاقش کمی متفاوت از نمایش‌های این شب‌های پایتخت است. رضا بهبودی، محمدصادق ملک، محمد خاکساری، محسن نوری و امین اسلما‌ی، دیکر بازیگران این نمایش ۸۰دقیقه‌ای هستند. با باران کوثری، بازیگر «گفت‌وگویی برجای‌ماندگان» و میلاد شجره، کارگردان آن، درباره این اجرا و ضرورت بر صحنه آمدنش گفت‌وگویی کرده‌ایم.

✎ **خانم کوثری چطور شد که در نمایش «گفت‌وگویی برجای‌ماندگان» ایفای نقش کردید؟**

باران کوثری: با میلاد شجره تجربه هم‌بازی‌شدن در نمایش «بر اساس دوشس ملفی» را به کارگردانی محمد رضایی‌راد داشتم. ضمن اینکه در سالن موج نور در دوره مدیریت میلاد، در نمایش +۹۶۳ که نوشته نرگس فرشی بود و محسن قربایی آن را کارگردانی کرد، بازی می‌کردم. این دو تجربه همکاری برایم تجارب لذت‌بخشی بود. وقتی فهمیدم قرار است نمایشی کارگردانی کند، مشتاق بودم در آن حضور داشته باشم؛ برای اینکه نگاه او به نمایش و تاتر را خیلی دوست دارم و می‌دانستم حضور در اثری که او کارگردانی کند، تجربه لذت‌بخشی برایم خواهد بود. این اجرا از روز اول برایم اجرائی خاص بود؛ چون متنی خاص دارد و به تبع متن، نقش من هم خاص است و این خاص‌بودن، این تجربه را برایم دلپذیر کرد. ضمن اینکه بازیگران دیگر کار، رضا بهبودی و صادق ملک، جزه بازیگران محبوب من در تئاتر هستند. خوشبختانه این شناسن را داشتم که در سال گذشته با رضا بهبودی چند بار همکاری کنم. محسن نوری، بازیگر دیگر کار، یکی از پدیده‌های تئاتری است و من او را بازیگر ویژه‌ای می‌دانم؛ گرچه هنوز آن طور که باید، دیده نشده؛ با این وجود، به نظرم به حال در تمام نق‌هایش درخشیده است. محمد خاکساری، بازیگر دیگر کار، بسیار جوان مستعد و البته باتجربه‌ای است و مونولوگ «گزارش» را که خودش نوشته بود، پیش‌تر در موج نور روی صحنه برد و آن اجرایش هم حیرت‌انگیز بود. همه اعضای این تیم برای من خیلی حرفه‌ای هستند و همکاری با آنها برایم ویژه بود. طراحی صحنه و لباس هم کار سمانه حسینی است که بسیار کاربلد است. حضور انوشیروان آریا و عطا ابتکار هم به‌عنوان کسانی که بخش ویدئو و موسیقی، کار آنهاست، بسیار کمک‌کننده بود و همه ما کنار هم تجربه ویژه‌ای را روی صحنه آورد‌ایم. کامل‌شدن متن در روند تمرین استوار بوده و هست. امیدوارم برای تماشاگران این اجرا نیز چنین باشد.

✎ **آقای شجره شما در مقام کارگردان، چه‌طور شد که تصمیم گرفتید این متن را اجرا کنید؟**

میلاد شجره: محمد زارعی را سال‌هاست می‌شناسم و کار قبلی من، «گفت‌وگوی فراریان» هم نوشته او بود. در یکی از کارهای او هم بازی کردم (فاجعه معدن کوشیرو). دغدغه‌های مشترک بسیاری داریم متن مواجه باشیم و آن را برداریم و اجرا کنیم. متن و اجرا همپای هم پیش رفتند و ساخته شدند. هم‌زمان با تمرینات متن کامل و بازی‌نویسی می‌شد، تقسیم‌کار خودخواسته‌ای از سوی میلاد شجره به‌عنوان کارگردان و محمد زارعی به‌عنوان نویسنده صورت گرفته که متن و اجرا به چه نسبت آ‌خرالزمان را ترسیم کنند. برای همین تفکیک اثر متن و اجرا در ترسیم آ‌خرالزمان، برای من هم کمی دشوار است. ✎ **همان‌طور‌که خودتان هم اشاره کردید، اجرای «گفت‌وگویی برجای‌ماندگان» حکایت از موقعیتی‌ای‌از زمان و لامکان دارد. ترسیم این موقعیت برای هر یک از شما به‌عنوان بازیگر و کارگردان چه دشواری‌هایی داشت؟**

✎ **نسبت هریک از شما دو نفر با این متن چه بود؟**

هنر

گفت‌وگو با باران کوثری و میلاد شجره به مناسبت اجرای «گفت‌وگویی برجای‌ماندگان»

دلگی دارد حیات را نابود می‌کند



علینا امین، بازیگر نقش عسل

میلاد شجره: باید بگویم به عقیده من «گفت‌وگوی برجای‌ماندگان»، متنی بسیار سخت و درعین‌حال جذاب برای اجراست. یک داستان آ‌خرالزمانی که در مکان مشخصی هم روایت نمی‌شود؛ البته همین حذف جغرافیا و زمان از متن، پیشنهاد خودم بود که در روند تمرین اتفاق افتاد؛ چون متن در ابتدا صاحب جغرافیا و زمان مشخص بود. فکر کردیم اگر مکان را از متن بگیریم و قصه را در آینده روایت کنیم، جهان شمول‌تر می‌شود. بعد از گرفتن زمان

و مکان از متن، در همان خوانش‌های اولیه، اجرا برایم کلایز زنده بود از صدا و تصاویر ویدئویی و بازیگران روی صحنه. موسیقی الکترونیک و صداهای صنعتی و تصاویر امنیتی که البته در هر مدیوم در طول اجرا، اختلالاتی را شاهد هستیم. **باران کوثری:** ایده آ‌خرالزمانی این‌ متن برای من خیلی جذاب بود. در این اثر با هسان المان‌ها، با ایده‌هایی که چندان ناآشنا هم نیستند، تلاش کرده‌ایم فضایی آ‌خرالزمانی ترسیم کنیم. فضاسازی مهم‌ترین اتفاقی بود که ما بازیگران، میلاد شجره به‌عنوان کارگردان، انوشیروان آریا به‌عنوان طراح بخش ویدئو و عطا ابتکار به‌عنوان موزیسین باید به آن می‌رسیدیم.

✎ **به نظر شما این متن چه‌قدر در ترسیم آ‌خرالزمان موفق عمل کرده است؟**

باران کوثری: متن دارد به اجرا پاس گل‌های خوبی می‌دهد برای فضاسازی آ‌خرالزمان. وقت‌هایی که محمد زارعی سر تمرین‌ها حضور داشت، تقسیم می‌کردیم که چه‌قدر متن باید ترسیم‌کننده آ‌خرالزمان باشد و چه‌قدر ما اجراگران باید فضای آ‌خرالزمان را بسازیم؟ چون میلاد و محمد اصرار داشتند که خیلی مفصل به آ‌خرالزمان ارجاع داده نشود؛ بلکه در فضاسازی اجرا ما آ‌خرالزمان را ترسیم کنیم. با دیالوگ‌های آشنا و صحبت از



فضاهایی که این روزها زیاد در اخبار از آن می‌شنویم، سعی داشتیم به آ‌خرالزمان ارجاع دهیم. نکته مهم این است که این متن برای این اجرا نوشته و بازی‌نویسی شده است و این‌طور نبوده که ما با یک متن مواجه باشیم و آن را برداریم و اجرا کنیم.

متن و اجرا همپای هم پیش رفتند و ساخته شدند. هم‌زمان با تمرینات متن کامل و بازی‌نویسی می‌شد، تقسیم‌کار خودخواسته‌ای از سوی میلاد شجره به‌عنوان کارگردان و محمد زارعی به‌عنوان نویسنده صورت گرفته که متن و اجرا به چه نسبت آ‌خرالزمان را ترسیم کنند. برای همین تفکیک اثر متن و اجرا در ترسیم آ‌خرالزمان، برای من هم کمی دشوار است. ✎ **همان‌طور‌که خودتان هم اشاره کردید، اجرای «گفت‌وگویی برجای‌ماندگان» حکایت از موقعیتی‌ای‌از زمان و لامکان دارد. ترسیم این موقعیت برای هر یک از شما به‌عنوان بازیگر و کارگردان چه دشواری‌هایی داشت؟**

✎ **نسبت هریک از شما دو نفر با این متن چه بود؟**

دلگک (با بازی رضا بهبودی) قوی و پیش‌بینی‌ناپذیر است که خودبه‌خود شعارها در درجه اهمیت کمتری قرار می‌گیرند. وضعیت مسخره‌ای است برای بشر. حیات دارد به دست یک دلگک نابود می‌شود و آن دلگک هم انکار معنی همه آن شعارهای ساخت بشر را دارد به همان سازندگان شعارها می‌فهماند که البته حتی این فهماندن هم برایش مهم نیست. او به هر کنشی که بشر انجام داده یا می‌دهد، یک واکنش پیش‌بینی‌ناپذیر نشان می‌دهد.

کوثری: البته من فکر می‌کنم وقتی درباره یک مفهوم اساسی و کلی دارنم حرف می‌زنیم، نمی‌توان از شعارزدگی پرهیز کرد. به‌طورکلی من ابایی از شعاردادن ندارم، چه در کارهایم، چه در مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌هایم. به نظر جاهایی لازم است شعار بدهیم و درباره یکی سری از مفاهیم بدون شعار نمی‌توانیم حرفمان را بزنیم؛ اما برای اینکه با شعارها تماشاگر از اجرا دور نشود، ما سعی کردیم در بازی و شکل دیالوگ‌گویی و شکل اجرا شعارها را نرم کنیم؛ اما این‌طور نیست که بگویم ما این شعارها را معضلی می‌دانستیم که می‌خواستیم توی اجرا حلشان کنیم. ما به شعارها آگاه بودیم و به نظمان لازم بود برای این شکل اجرا و متن.

✎ **خانم کوثری شما یک سال پکار تئاتری را پشت‌سر گذاشتید و تقریبا هر فصل با یک نمایش روی صحنه بودید. آیا این به این معناست که تئاتر درحال حاضر اولویت حرفه‌ای شماست؟**

کوثری: برایم همیشه کار خوب فارغ از مدیوم آن، در اولویت است. اگر پیشنهاد تئاتری‌ای داشته باشم که نسبت به پیشنهاد سینمایی‌ام بهتر باشد و ناچار به انتخاب باشم، بی‌شک تاتر را انتخاب خواهم کرد. اگر هم پیشنهاد سینمایی‌ام بهتر باشد، سینما را انتخاب می‌کنم. خوشحالم که در این یک سال که در تئاتر‌هایی حضور داشتم که هریک تجربه‌هایی متفاوت و ارزشمند بودند. چه +۹۶۳ محسن قربایی، چه براساس دوشس ملفی محمد رضایی‌راد، چه بازتولید در میان ابرهای امبرضا کوهستانی و چه این تجربه با میلاد شجره. تجربه کارکردن با آقای رضایی‌راد جدا از این که تمریناتی برای یک تاتر است، برای من واقعا یک کلاس درس هنر هم هست.

✎ **خانم کوثری در این یک سال علاوه بر بازیگری چهار تئاتر، تهیه‌کنندگی دو نمایش (براساس دوشس ملفی و گفت‌وگویی برجای‌ماندگان) را نیز برعهده داشتید. ادامه مسیر تئاتری‌تان را برای خود چگونه تعریف کرده‌اید؟ با توجه به اینکه قبلا در تئاتر طراحی صحنه و لباس هم داشته‌اید، بخش‌های دیگری را نیز تجربه خواهید کرد؟**

کوثری: درباره تهیه‌کنندگی نه حرفی دارم و نه ادعایی. در گروه‌های تئاتری‌ای که به آن دل‌بستگی دارم، فقط هر طور که بدم کمک می‌کنم. اگر در کار دیگری هم تبحر داشته باشم، مسئولیت انجام این‌طور نیست که قصدم ادامه‌دادن تجربه تهیه‌کنندگی باشد، برحسب احساس وظیفه‌ای که نسبت به یک سری آثار دارم آن را انجام می‌دهم، همان‌طور که اگر کار دیگری هم از من بر بیاید، برای یک سری از آثار به‌خصوص، آن را انجام خواهم داد. ✎ **آقای شجره شما پیش از این بیشتر به‌عنوان بازیگر در گروه تئاتر لیو به سرپرستی حسن معجونی ایفای نقش می‌کردید و هم‌اکنون از شما کارگردانی یک تاتر را دیده‌ایم. بعد از این بیشتر شاهد بازی‌های شما هستیم یا کارگردانی‌هایی‌ان؟**

شجره: البته به‌جز بازی برای گروه تئاتر لیو و حسن معجونی عزیز که ورود جدی خودم را در عرصه بازیگری مدیون او هستم، تجربه بازی برای گروه خودمان (آف اتودیدو)، محمد رضایی‌راد (گروه تئاتر خانه)، علی‌اکبر علیزاد (گروه تاتر ۸۴) و… هم در کارنامه من هست. در‌هرصورت در جواب به سؤال شما باید بگویم، هر دو، بازیگری و کارگردانی برایم تفکیک‌پذیر نیستند.

حسین صفامنش در تالار وحدت می‌خواند

شده است. هرکدام از زبان‌های محلی ایران دنیای خاص خودشان را دارند که باید به موسیقی‌شان بیشتر از اینها بها داد. «بوی دیم»، ساخته مظهر خالقی و «بارانه»، ساخته زنده‌یاد محمد ماملی، «پیشواز»، «خوشیگه خاسته کم»، «خاو»، «سال»، «ای خدا» و «ماسی له دریا» آثار قدیمی‌ای است که در این کنسرت اجرا می‌شوند.

همچنین قطعه‌های «له برسی کاوان»، «دانه و دانه» و «خاک پر لداخت»، «بالا نژمگ» (ملودی از حسین صفامنش)، «بان زلفی زرین» (ملودی از حسین صفامنش)، «دلَم زندانی» و «ایواره» یا آهنگ‌سازی و تنظیم فرشاد رستمی اجرا می‌شود.

علیرضا صنعتی، نوازنده عود، آسو نادری، نوازنده دف-دایره-بندیر و پرکاشن، شقایق خبثاری، نوازنده تار، مرضی فتحی، نوازنده کمانچه، علیرضا صدیقی، نوازنده تنبک-کوزه-کاخ-و پرکاشن، مژگان حسینی، نوازنده قانون، حامد پیرا، نوازنده نرمانه‌ای و سُرنّا و فرشاد رستمی، سرپرست گروه و نوازنده قیچک‌آلتو، اعضای گروه «آرشاویر» را تشکیل می‌دهند.کنسرت گروه «آرشاویر»، به خوانندگی حسین صفامنش و سرپرستی فرشاد رستمی، ۲۲ مرداد از ساعت ۲۱:۰۰ در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان به موسیقی می‌توانند بلیت‌های این کنسرت را از طریق سایت ایران‌کنسرت تهیه کنند.

یاد دوست

این زمین بار امانت نتوانست کشید



«**بهزاد عبدی**»

● سال‌ها پیش در خیابان لارستان مردی را ملاقات کردم که سراسر عشق بود و شعور، نوجوانی بودم که برای ضبط سرود به استودیو پاپ رفته بودیم. از همان زمان نگاه مهربانش بر قلب کودک من نشست و تا زمان رفتنش با من همراه بود و البته که هست. وقتی از پله‌های استودیوی همیشه‌باز پاپ پایین می‌رفتم، خلوصی از جنس بل‌سور روحت را نوازش می‌کرد که سرشار از صمیمیت و مهر می‌شدی. شاید همین بود که همه هنرمندان عرصه موسیقی، استودیو پاپ را خانه دوم خود می‌دانستند. ناصرخان ناب بود. دروغ نبود. روحی آرام داشت و نگاهی نافذ و عمیق. بزرگ بود ولی بازی تازگی خاک را می‌داد. واژه عبور از فرهنگ واگانش رخ پربرسته بود. با اینکه از بزرگان صدای ایران بود. بزرگ‌منش که باشی برایت نوپا و استاد فرقی نمی‌کند. در رفتار تفاوتی میان یک هنرجو و یک استاد نمی‌بینی و ناصرخان بزرگ‌منش نبود. قلبش مکان امن درد‌دل‌ها بود و زمینش رودی جاری که به دریا می‌رسید. تأثیرات مهم وی در موسیقی با نگاه درست و عمیقش به مقوله درست‌صدا‌پردازی، میکس و بلائیش درست‌صدا‌انکارسندنی است. او را خدا چون یاران به زمین هدیه داده بود که پیوندی باشد میان آسمان و زمین. رفتن او رفتن یک شخص نیست، سفر زمانه‌های اندک نسلی است که دیگر در این دوران یافتنش کاری بسیار سخت است. در نهایت دقت سا‌زها را میکروفن‌گذاری می‌کرد و آثار را به‌گونه‌ای متولد می‌کرد که گوئی ارکستر هم‌زمان و با هم ضبط شده است. وقتی موسیقی کشور با عناصر حرفه‌ای در ضبط روبه‌رو شود، خود را بالا می‌کشد، دقیق و درست نوشته می‌شود تا پس از ضبط، در جایگاه درست، خود را نشان دهد. در بسیاری از استودیوهای ایران، تمام سا‌زهای یک ارکستر بزرگ به صورت جداگانه ضبط می‌شوند. این به این معناست که باید با تصور اینکه در نهایت شنونده یک اثر سمفونیک خواهیم بود، ضبط آغاز و در نهایت میکس شود و افکت‌های مناسب اضافه شوند. رعایت توان‌سا هم توسط نوازنده هم صدابردار امری اجتناب‌ناپذیر است و تا ساختار درست قطعه را ندانیم، هرگز به این مهم دست نخواهیم یافت. تبحرش در شناخت رنگ سا‌زها، دامنه صوتی آنها و ی‌ساده‌آوری نکاتی در صدابرداری و هزار تکفنی دیگر از او ناصرخان فرهودی ساخته بود.

استودیویی را مهجر کرده بود که با استودیوهای مجهز دنیا برابری می‌کند. صبر و شکیلی‌اش، روح یادگیری همیشگی‌اش و تعلیم پدران‌اش، استودیو پاپ را به مکان امنی برای آهنگ‌سازان این سرز و بوم در هر شیوه‌ای بدل کرده بود. او تکنیک را با اخلاق به زیبایی با هم آمیخته بود. میلاد فرزند برومندش، حمید آداب و امید اصغرعی به یقین پاسبان این مکان امن خواهند بود و به‌راستی زمین نتوانست چون او را تحمل کند و به آسمان‌ها بازش گرداند. ناصرخان در آن سوی آسمان‌ها با روح زیبایش بهشتی ساخت و به سویش پرواز کرد. او همیشه هست و در خیابان لارستان نبش بیستم وی ناب حضور جاودانه‌اش جاری است.

زیر آسمان فیر وزم‌ای

با اجرای ابوسعید مرضایی و فرید بداللهی

شب‌شنبه‌ها میزبان شاهدانِ خموش می‌شود

● **گروه هنر:** شب‌شنبه‌ها در دوازدهمین تجربه از دوره جدید خود، شنبه ۲۸ مرداد میزبان پرفورمنس موسیقی «شاهدان خموش» در سالن تئاتر مستقل تهران خواهد بود.

مجموعه برنامه «شب‌شنبه‌ها» هر هفته با رویکرد تجربی‌های متفاوت و گفت‌وگوهای تازه درباره دیدن و شنیدن اجرا می‌شود و در اجرای پیش‌رو میزبان ابوسعید مرضایی و فرید بداللهی خواهد بود.

ابوسعید مرضایی، نوازنده سه‌تار و شورانگیز، بیش از ۳۰ سال است که در عرصه موسیقی فعالیت می‌کند و تاکنون سه آلبوم موسیقی منتشر کرده و در ضبط و تدوین آثار استادانی مانند زنده‌یاد جلال ذوالفنون و زنده‌یاد همایون خرم همکاری داشته است.

فرید بداللهی، نوازنده تنبک و سا‌زهای کوبه‌ای نیز نویسنده سه کتاب آموزشی سا‌زهای کوبه‌ای با نگرشی نو برای آشنایی با سازهای تنبک و کوزه (اودو) است و انتشار پنج آلبوم موسیقی، طراحی و ساخت دو سا‌ز کوبه‌ای جدید و… از فعالیت‌های اوست.

همچنین ابوسعید مرضایی و فرید بداللهی با همکاری یکدیگر در سال ۱۳۹۰ آلبوم خاک را منتشر کرده‌اند که به‌عنوان بهترین آلبوم بی‌کلام سال انتخاب شده است. پرفورمنس موسیقی شاهدان خموش، با نوازندگی ابوسعید مرضایی (سه‌تار و شورانگیز) و فرید بداللهی (تنبک و هنگ اودو) با همراهی اسماعیل مرضایی (نقاش) شامگاه شنبه ۲۸ مرداد از ساعت ۲۲ در سالن تاتر مستقل تهران روی صحنه می‌رود.